

## آن يك رأي که به خودم دادم کجاست!

سال 1307 هجری شمسی، رضاخان که دیگر از حضور مجاهد وارسته و با فراست مجلس‌های قبلی به تنگ آمده بود در پی آن شد که به هر ترتیب ممکن از حضور سید و یارانش در مجلس شورای ملی جلوگیری کند...



انتخابات برگزار شد و حتی يك رأي نیز به نام مدرس از صندوق‌ها بیرون نیامد. سید حسن وقتي از نتیجه انتخابات کذایی رضا خانی آگاه شد در سر جلسه درس بود.

با همان لبخند پرمعنایش گفت: [اگر] 20 هزار نفر از مردمی که در دوره گذشته به من رأي دادند همگی مرده باشند یا رأي نداده باشند پس آن يك رأي که خودم به خودم دادم چه شده است! و بعد از این اوصاف بود که دستیاران دیکتاتوری رضا خانی به خود جرأت دادند تا آیت‌الله مدرس را به قلعه خواف تبعید کنند؛

تبعیدی که بعد از 9 سال در نهایت در کاشمر به شهادت این بزرگ معلم آزاده منجر شد؛ مردی که از عالم و دانشمندی چون آخوند خراسانی مفتخر به لقب مدرس شده بود و معرفی به مجلس شورای ملی به‌عنوان مجتهد طراز اول؛ مردی که مرجع تقلیدی چون آیت‌الله مرعشی نجفی به اجازه روایت داشتن از ایشان افتخار می‌کرد و بزرگمردی چون حضرت امام (ره) درباره شخصیت‌شان اینگونه صحبت می‌کنند: &#171;... در واقع شهید بزرگ ما مرحوم مدرس که القاب برای او کوتاه و کوچک است ستاره درخشانی بود بر تارک کشوری که از ظلم و جور رضاشاهی تاریک می‌نمود و تا کسی آن زمان را درک نکرده باشد ارزش این شخصیت عالی‌مقام را نمی‌تواند درک کند».

برای فهم بیشتر تلقی حضرت امام از شهید مدرس، مطالعه تأثیر اندیشه سیاسی این شهید سعید در اندیشه سیاسی امام خمینی می‌تواند راهگشا باشد.

پژوهندگان اندیشه سیاسی مدرس چندین مولفه اصلی را در زمینه تحویل قدرت سیاسی ایران از قاجاریه به پهلوی بررسی کرده‌اند که با غور در آنها می‌توان به برجسته بودن این مولفه‌ها در قوام اندیشه سیاسی امام خمینی پی برد. با توجه به اینکه هر دو این بزرگواران نیز فرزند فقاقت راستین شیعه بوده‌اند این مطالعه تطبیقی قطعاً می‌تواند به باور به ظرفیت‌های بالای اعتقادی شیعه مدد رساند.

اما مؤلفه‌های نامبرده در اندیشه سیاسی شهید مدرس را به اجمال اینگونه می‌توان برشمرد: رابطه دین و سیاست یکی از اصلی‌ترین مولفه‌های اندیشه شهید مدرس است تا جایی که می‌توان این مولفه را شاخص سیره سیاسی ایشان دانست و به نوعی زیربنای اصلی تفکر ایشان معرفی کرد.

جمله معروف شهید در نطق سال 1302 که سیاست ما عین دیانت ما و دیانت ما عین سیاست ماست بهترین مبین این مولفه است. مسئله عدالت و اجرای آن در جامعه اسلامی، تفکیک قوا و ساخت و ساز اصولی نهاد عدلیه و نهاد قانون و مجزا بودن از دولت، بیرون آوردن روحانیت از انزوا و همینطور جمهوری واقعی خواهی و اصل موازنه عدمی و قانون‌گرایی از امهات مباحثی است که می‌توان در سیره سیاسی شهید سعید، مدرس در مطالعه تطبیقی پیش‌تر یاد شده به نظاره نشست؛ سیره سیاسی مردی که سیاست را برد و باخت نمی‌دید بلکه آن را تعمیرالبلاد و تأمین‌العباد هم می‌دانست.